

روش تربیتی تکریم و نقش، شیوه‌ها و آثار آن بر شخصیت کودک ازمنظر قرآن و روایات

محبوبه حسینی^۱

چکیده

دین اسلام جامع‌ترین مکتب تربیت انسان است که به بهترین روش‌های تربیتی دلالت دارد. یکی از روش‌های تربیت که در قرآن و روایت در قالب اولین و مهم‌ترین منابع اسلامی به خوبی به آن پرداخته شده، روش تربیتی تکریم است. پژوهش حاضر باهدف بررسی روش تربیتی تکریم و نقش، شیوه‌ها و آثار آن بر شخصیت کودک ازمنظر قرآن و روایات با روش توصیفی-تحلیلی، بعد از توضیح مفاهیمی مانند تکریم، تربیت و کودک، مباحث ذیل مطرح شده است: تکریم کودک، اهمیت و نقش تربیتی آن در دوران کودکی، شیوه‌های تربیت تکریمی در لسان آیات و روایات مانند انتخاب نام نیکو، نام بردن به نیکی، سلام کردن به او، همبازی شدن با او و سخن گفتن مناسب با او و آثاری مانند تربیت‌پذیری بهتر، شکوفایی استعدادها، عزت نفس کودک، اعتمادبه نفس پیدا کردن کودک و جلوگیری از انحراف کودک. تکریم اگر براساس ضوابط باشد و به انحراف و یا افراط و تفریط کشیده نشود یکی از روش‌های اسلامی تربیت است که نقش قابل توجهی در تربیت کودک دارد.

واژگان کلیدی: تربیت، تکریم، کودک، شیوه‌های تکریم، آثار تکریم.

۱. مقدمه

سیره الهی، انسان را با کرامت و محترم می‌داند و در تمام مناسبات و روابط اجتماعی و انسانی این امر را مبنا قرار می‌دهد. قرآن کریم می‌فرماید: «و لقد کرّمنا بنی آدم؛ و به راستی فرزندان آدم را

۱. دانش‌پژوه کارشناسی ارشد فقه تربیتی از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی العالمیه، قم، ایران.

کرامت بخشیدیم» (اسراء: ۷۰). جهان با همه بزرگی و وسعتش برای انسان خلق شده، آسمان و زمین، خورشید و ستارگان، دریای بیکران، حیوانات بی‌شمار، کوه و دشت و صحرا، همه و همه برای انسان و در راستای گرمای داشت مقام و منزلت انسان و برای رشد و تعالی و تکامل او به وجود آمده است. سیره انبیا و اولیای الهی در رفتار با انسان‌ها سیره الهی بوده است. آنها کریم و محترم بودند و در روابطشان با انسان‌ها نیز بر مبنای تکریم و احترام برخورد می‌کردند. تکامل و رشد جسمانی انسان آن‌گونه که قرآن کریم به آن اشاره دارد سه مرحله و دوران است: طفولیت، جوانی، پیری. «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ بَعْدَ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشِبْهَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ؛ خداست که شما را ناتوان بیافرید و پس از ناتوانی نیرومند ساخت، آن‌گاه پس از نیرومندی، ناتوانی و پیری آورد» (روم: ۵۴).

شاید به راحتی بتوان گفت که تکریم شخصیت انسان یکی از بهترین و کارآمدترین شیوه‌های تربیتی است که در همه مقاطع زندگی انسان (طفولیت، جوانی، پیری) لازم و ضروری است و آثار تربیتی قابل توجهی دارد. گزینه حب ذات یکی از سرمایه‌های فطری و ذخایر طبیعی است که در باطن هر انسان به اقتضای حکیمانه الهی قرار داده شده است و یکی از شیوه‌های ارضای این گزینه فطری، تکریم و توجه به شخصیت انسان است.

بشر امروزی دچار از خود بیگانگی و بی‌هویتی شده، پایمال شدن فضیلت‌های انسانی، فقدان محبت و فقر عواطف انسانی به شدت جهان امروز را تهدید می‌کند. نادیده گرفتن حرمت و کرامت انسان، ضایع کردن حقوق انسان‌ها، رفتارهای تند و آزاردهنده و برخوردهای خشن، بیماری‌های روزافزون روانی، بی‌مهری و یأس و افسردگی و مفاسد فراوان دیگری که همه از فقدان بهداشت روان سرچشمه می‌گیرد و امنیت و آسایش حقیقی جوامع انسانی را به خطر انداخته همه و همه ریشه در فراموشی فضیلت‌های انسانی دارد. از مهمترین روش‌های تربیتی، تکریم شخصیت است که آثار تربیتی فراوان دارد، پس می‌طلبد و مورد نیاز است که به مباحثی مانند تکریم شخصیت بیشتر کار شود. در بحث پیشینه باید گفت که از دیرباز درباره تکریم انسان و پاسداشت کرامت انسان سخن‌ها و نکته‌های زیادی گفته و نوشته شده است. همه

مکاتب فکری به نوعی بر کرامت انسان و شأن و منزلت او تأکید کرده‌اند. اسلام بر مفهوم کرامت و اصل تکریم تأکید ویژه‌ای دارد. قرآن کریم می‌فرماید: «و لقد کرمننا بنی آدم؛ و به راستی فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم» (اسراء: ۷۰). کتاب‌ها و مقاله‌های فراوانی در مورد بحث تکریم شخصیت انسان نوشته شده است و به طور کلی این بحث را مطرح کرده‌اند، اما تاکنون پژوهشی که هر سه بعد زندگی انسان را به صورت جزئی بررسی کند انجام نشده است و یا به صورت یکی از ابعاد وجودی انسان به آن پرداخته‌اند. برخی از این آثار عبارتند از:

- تکریم انسان از منظر دین از حسن هاشمی گنابادی: کتاب حاضر به بررسی جایگاه انسان، تکریم انسان و شناخت شأن و مقام انسان می‌پردازد. همچنین به جایگاه انسان در قرآن و روایات و تکریم انسان اشاره کرده و خدمت‌رسانی بر خلق و آثار ارزنده آن را بررسی می‌کند؛

- کتاب کرامت انسانی و تکریم شخصیت کودک از ناهید ساکتی و ناصر دلخوش؛

- مقاله تکریم و احترام کودک از ناهید حیدری و ناهید پورشایگان؛

- مقاله اهمیت و نقش تربیتی تکریم در کودک و نوجوان از مهناز بتول؛

- مقاله نقش تکریم شخصیت در تحول روانی کودکان و نوجوانان از ابراهیم امینی.

پژوهش حاضر به صورت توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، نقش آثار تربیتی تکریم در سه بعد زندگی انسان (کودکی، نوجوانی، سالخوردگی) را بررسی می‌کند. تحقیق حاضر در پی پاسخ به سه سؤال است:

- آیا تکریم شخصیت در کودکی هم تأثیرگذار است و این تکریم چگونه باید شکل بگیرد و چه

آثار مفیدی دارد؟

- آیا تکریم شخصیت در نوجوانی و جوانی هم تأثیرگذار است، این تکریم چگونه باید شکل

بگیرد و چه آثار مفیدی دارد؟

- آیا تکریم شخصیت در سالخوردگی هم تأثیرگذار است، این تکریم چگونه باید شکل بگیرد و

چه آثار مفیدی دارد؟

۲. مفهوم‌شناسی

۱-۲. تکریم

تکریم از ریشه کرم، از باب تفعیل و به معنای آن است که به انسان نفعی برسانند که نقص و شکست و خواری در آن نباشد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۷۰۷) کرم در لغت به معنای ارزشمندی، عزت و شرف و در مقابل هوان و خواری است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۷۰۷): «و من یهن الله فما له من مکرم ان الله یفعل ما یشاء و هرکه خدا را خوار کند او را گرمی دارنده‌ای نیست؛ زیرا خدا هر چه بخواهد، انجام می‌دهد» (حج: ۱۸). دهخدا در لغت‌نامه خود می‌گوید: «تکریم به معنای تعظیم، توقیر کردن، حرمت و احترام گذاشتن کسی آمده است» (لغت‌نامه دهخدا، ۱۳۸۵، ذیل واژه تکریم).

۲-۲ تربیت

تربیت دو ریشه دارد. برخی معتقد هستند تربیت از ریشه رب به معنای ایجاد تدریجی موجود تا رساندن آن به حد نهایی کمال است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۳۶) برخی آن را از ریشه ربو به معنای زیاد شدن، رشد، علو و ارتفاع می‌دانند (ابن فارس، ۱۴۰۴، ص ۴۸۳). دهخدا در لغت‌نامه خود چنین آورده است: «تربیت به معنای پروراندن، ترقی و برتری و تأدیب به کار رفته است» (دهخدا، ۱۳۸۵، ذیل واژه تربیت). برخی دانشمندان تربیت را تبدیل قوه‌ها به فعلیت می‌دانند. برخی دیگر تربیت را عبارت از استخراج نیروها و استعدادهای درونی انسان‌ها می‌دانند (بهشتی، ۱۳۹۵، ص ۱۸۰). در تعریفی جامع و کامل آمده است: «تربیت یعنی، برانگیختن و فراهم آوردن موجبات رشد، پرورش و شکوفایی تمام استعدادها، توانایی‌ها و قابلیت‌های انسان به منظور رسیدن به کمال مطلوب و سعادت حقیقی» (بهشتی، ۱۳۹۵، ص ۱۷۹).

۲-۳. کودک

کودک یا بچه به انسان خردسال از دختر و پسر گفته می‌شود. عبارت دیگر کودک در زبان فارسی واژه بچه است. در کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد، کودک به هر انسانی که زیر ۱۸ سال تمام باشد، گفته می‌شود. از دیدگاه روان‌شناسی در یک تعریف ساده، کودک یعنی، فردی که هنوز هوش هیجانی کافی را برای زندگی به دست نیاورده است. کارشناسان رشد و تربیتی، محدوده سنی کودک را چنین بیان می‌کنند: محدوده سنی طفولیت ۳ تا ۳ سالگی، بدو کودکی ۳ تا ۶ سالگی، اواسط کودکی ۶ تا ۸ سالگی، اواخر کودکی ۸ تا ۱۱ سالگی.

۲-۴. جوان

جوانی به مقطعی از زندگی انسان گفته می‌شود که بین نوجوانی و میان‌سالی است. از نظر جامعه‌شناسی، جوانی فرایند و ساختاری اجتماعی است که با رخداد های هنجار مانند ازدواج، فرزندآوری و اشتغال تعریف می‌شود و بازه سنی ۱۸ تا ۴۰ سالگی است. در ایران، وزارت ورزش و جوانان، جوانی را بازه سنی ۱۸ تا ۳۵ سالگی در نظر می‌گیرد. (پارسا، ۱۳۹۶، ص ۲۱۷) از دیدگاه روان‌شناسان رشد، افرادی که در سنین بین ۱۸ تا ۲۵ سال قرار دارند جوان می‌نامند، البته در بین روان‌شناسان در تعیین محدوده سنی جوان دیدگاه‌ها متفاوت است (پارسا، ۱۳۹۶، ص ۲۱۷).

۲-۵. سالخوردگی

در یک تعریف ساده، سالخوردگان افرادی هستند که به اندازه کافی به قدرت و کمال خود رسیده‌اند. به عبارتی از مقطع میان‌سالی عبور کرده و به مقطع سالخوردگی رسیده‌اند. از نظر روان‌شناسان، شروع سن پیری از سال‌های ۶۰-۶۵ سالگی یعنی، همان سن بازنشستگی است. (پارسا، ۱۳۹۶، ص ۲۱۹)

۳. تکریم کودک در قرآن و روایات

۳-۱. کرامت انسان در قرآن

در سوره اسراء آمده است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا؛ ما فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم و بر دریا و خشکی سوار کردیم از چیزهای خوش و پاکیزه روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خویش برتری شان نهادیم.» (اسراء: ۷۰) در جای دیگر می‌فرماید: «انی جاعل فی الارض خلیفه؛ انسان برگزیده و جانشین خداوند در زمین» (بقره: ۳۰). «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا؛ انسان مسجود ملائکه است» (بقره: ۳۴). «سخر لکم ما فی سماوات و ما فی الارض؛ آسمان و زمین مسخر انسان است» (جاثیه: ۱۳). «هو الذی خلق لکم ما فی الارض جمیعاً؛ تمام نعمتهای الهی مال اوست» (بقره: ۲۹). باتوجه به آیات الهی، انسان موجودی است که مورد تکریم الهی قرار گرفته است.

۳-۲. کرامت انسان در لسان روایات

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که الگوی تمام عیار جامعه مسلمین است تکریم و احترام را نسبت به یکدیگر به تمام افراد از مسلمان و غیرمسلمان رعایت می‌فرمود. در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است که وقتی دعوت به اسلام می‌کرد طرف مقابل را احترام و نصیحت می‌فرمود. ایشان فرمود: «لَا تُحْقِرَنَّ أَحَدًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ، فَإِنَّ صَغِيرَهُمْ عِنْدَ اللَّهِ كَبِيرٌ؛ هیچ‌کس از مسلمین را تحقیر نکنید و کوچک نشمارید؛ زیرا مسلمانی که در نظر شما کوچک است نزد خداوند بزرگ است» (مجلسی، ۱۴۰۴، ۱۳۲/۷۵). همچنین می‌فرمود: «کسی که برادر مسلمان خود را با کلمات مودت‌آمیز احترام نماید و غم او را بزداید تا زمانی که این سجه در او باقی است پیوسته در سایه رحمت خداوند خواهد بود» (مجلسی، ۱۴۰۴، ۱۳۲/۷۵).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد تکریم و احترام به فرزندان می‌فرمود: «أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا آدَابَهُمْ يَغْفَرْ لَكُمْ؛ به فرزندان خود احترام کنید و آنان را آداب نیکو بیاموزید تا آمرزیده شوید». (مجلسی، ۱۴۰۴) امام رضا علیه السلام فرمود: «أَجْمَلُ مُعَاشَرَتِكَ مَعَ الصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ؛ لازم است با تمام

اطفال و بزرگسالان با ادب و احترام رفتار نمایی» (مجلسی، ۱۴۰۴). امام علی علیه السلام فرمود: «أَجْمَلُوا فِي الْخِطَابِ تَسْمَعُوا جَمِيلَ الْجَوَابِ؛ با مخاطب خویش پسندیده و مؤدب سخن بگویید تا او نیز به شما با احترام جواب بگوید» (ری شهری، ۱۳۹۵، ۲۰۷/۱۰). رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «فرزندان خود را گرامی بدارید و آنها را نیکو تربیت کنید تا خدا گناهان شما را بیامزد» (مجلسی، ۱۴۰۴).

۴. نقش تربیتی تکریم در لسان روایات

غریزه حب ذات یکی از سرمایه‌های فطری و ذخایر طبیعی است که در باطن هر انسان به قضای حکیمانه الهی قرار داده شده است و یکی از شیوه‌های ارضای این غریزه فطری، تکریم و توجه به شخصیت انسان است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «طَبِعَتِ الْقُلُوبُ عَلَى حُبِّ مَنْ أَحْسَنَ إِلَيْهَا وَ بُغِضَ مَنْ أَسَاءَ إِلَيْهَا؛ قلب‌های انسان‌ها در دوستی با کسی که به آنها نیکی می‌کند و دشمنی با کسی که به آنها بدی کند سرشته شده است» (حرعاملی، ۱۴۱۲، ص ۴۴۵). فطرت آدمی چنین ساخته شده که هرکس با او نیکی و احسان کند، دوستش می‌دارد و هرکه با او بدی کند با او دشمن می‌شود. چه نیکی و احسانی در نظر مردم ارزنده‌تر از احترام و تکریم آنهاست و کدام بدی و ضرری مهم‌تر از تحقیر و توهین به شخصیت آنهاست. تکریم و احترام به شخصیت کودک وسیله و روش تربیتی است. اسلام به اولیا و مربیان توصیه می‌کند که به کودک احترام کند. کودک هم مثل هر انسان دیگری به خود علاقه دارد. احترام به کودک و حسن معاشرت پدر و مادر با او یکی از اساسی‌ترین عوامل شخصیت‌ساز در کودکان است که در کلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام معصوم نیز به آن تأکید فراوان شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا آدَابَهُمْ يَغْفَرْ لَكُمْ؛ به فرزندان خود احترام کنید و آنان را آداب نیکو بیاموزید تا آمرزیده شوید» (مجلسی، ۱۴۰۴).

۵. شیوه‌های تکریم کودک در آیات و روایات

۱-۵. انتخاب نام زیبا

تعالیم اسلامی انتخاب نام نیکو برای فرزند را از حقوق اولیه کودک می‌داند. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يَحْسِنَ اسْمَهُ، وَيَحْسِنَ أَدَبَهُ؛ وظیفه پدر این است که او را نام نیکو بگذارد و او را به نیکی تربیت کند.» (متقی هندی، ۱۳۰۵، ۷۷۵/۱۶) موضوع نام‌گذاری در نظام تربیتی اسلام اهمیت زیادی دارد. امتیازی که بین اسلام و رسوم جاهلی در نام‌گذاری وجود دارد، این است که در اسلام به نام‌گذاری به نام‌های زیبا سفارش شده و از نام‌های پست و زشت نهی شده است. اگر پدر نام زشت و زننده برای فرزند خود انتخاب کند به شخصیت و حیثیت او لطمه وارد می‌کند. نام خوب به منزله حیثیت و اعتبار فرزند است. نام سبک، زننده و مضحک که او را در معرض استهزا و تحقیر دیگران قرار دهد در وی عقده روانی ایجاد می‌کند. نام، نشانه شخصیت و هستی جداگانه هر فرد است. بنابراین، باید از نهادن نام‌های ناشایست و بدون مفهوم اجتناب کرد؛ زیرا این نام‌ها باعث سرافکنگی و پدید آمدن عقده حقارت کودک می‌شود. در روایات آمده است که رسول اکرم ﷺ نام‌های زشت و ناپسند را تغییر می‌داد و به جای آنها نام‌های نیکو می‌گذاشت. ایشان نام زنی را که عاصیه بود به جمیله تغییر داد و بر مردی که به او بغیض (کینه‌توز) می‌گفتند نام حبیب گذارد (مروجی طبعی، ۱۳۹۸، ص ۶۵). نام نیکو، زیبا و بامعنی سبب می‌شود احترام و تکریم کودک می‌شود.

۲-۵. نام بردن کودک با احترام

از اموری که در شخصیت‌بخشی و تکریم کودکان نقش بسزایی دارد استفاده از القاب و عبارات تکریم‌آمیز هنگام خطاب کردن کودکان است. والدین هنگام صدا زدن فرزند باید او را با احترام صدا بزنند و نام او را کوچک و سبک ادا نکنند. بنابراین، مناسب است تا کودک را با تعبیر شما و یا با نام او را به اضافه کردن آقا و خانم خطاب کنند. پیامبر اکرم ﷺ درباره کنیه کودکان می‌فرماید: «بَادِرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالْكَنَى قَبْلَ أَنْ تَغْلِبَ عَلَيْهِمُ الْأَلْقَابُ؛ پیش از آنکه دیگران برای

فرزندان شما القاب زشت بدهند به آنها کنیه نیک بدهید» (متقی هندی، ۱۳۰۵، ۴۱۹/۱۶). در سیره معصومان علیهم‌السلام موارد بسیار مشاهده می‌شود که هنگام صحبت با فرزندان خود از لفظ «یا بنی» به معنای «ای فرزند عزیزم» استفاده می‌کرد. همان‌گونه که لقمان فرزندش را با آن خطاب می‌کرد که موارد متعددی از آن در قرآن نیز آمده است (ر.ک.، لقمان: ۱۳، ۱۶، ۱۷).

۵-۳. بوسیدن

بوسه مظهر محبت است و به این مسیله غریزه محب ذات در فرد ارضا می‌شود. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «فَبَلِّغُوا أَوْلَادَكُمْ فَإِنَّ لَكُمْ بِكُلِّ قَبْلَةٍ دَرَجَةٌ فِي الْجَنَّةِ مَا بَيْنَ كُلِّ دَرَجَتَيْنِ خُمْسُ مِائَةِ عَامٍ؛ فرزندان خود را زیاد ببوسید؛ زیرا با هر بوسه برای شما مقام و مرتبتی در بهشت فراهم می‌شود که فاصله میان هر مقام ۵۰۰ سال است». (حرعاملی، ۱۴۱۲، ۲۰۳/۱۵) امام صادق علیه‌السلام فرمود: «مَنْ قَبَّلَ وَلَدَهُ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ حَسَنَةً؛ فرزندان خود را ببوسید؛ زیرا در پاداش هر بوسه یک درجه در بهشت به شما عنایت می‌شود» (حرعاملی، ۱۴۱۲، ۱۹۸/۱۵). «شخصی به پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم عرضه داشت: تاکنون بچه خود را نبوسیده‌ام. وقتی که رفت حضرت فرمود: «این شخص با این سخت‌دلی از اهل آتش است. کسی که محبت و عاطفه نسبت به فرزند خود ندارد اهل بهشت نخواهد بود» (حرعاملی، ۱۴۱۲، ۲۰۲/۱۵).

۵-۴. سلام کردن

یکی از شیوه‌های احترام به شخصیت افراد سلام کردن است. در تعالیم اسلامی سلام کردن یکی از سنت‌هایی است که روی آن تأکید بسیار شده است. در روایتی از انس بن مالک نقل شده است: «ما درحال بازی بودیم که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از کنار ما گذشت و گفت: «السلام علیکم یا صبیان؛ سلام بچه‌ها» (حنبل، ۱۴۱۶، ۱۸۳/۳). یکی از صفات پسندیده پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم این بود که به تمام مردم از خردسالان و بزرگسالان سلام می‌کرد (طباطبایی، ۱۳۹۹، ص ۴۲). سلام کردن به کودکان اثرات معنوی زیادی دارد و در مورد کودکان برای آن حداقل دو اثر روانی می‌توان برشمرد: از یک طرف برای کودک وسیله احیای شخصیت و ایجاد استقلال است و از طرف دیگر برای سلام‌کننده باعث تقویت خوی

پسندیده، تواضع و فروتنی است. وقتی بزرگسالان به کودک سلام می‌کنند کودک احساس لیاقت و شایستگی می‌کند و به این مطلب معتقد می‌شود که اجتماع برای او ارزش قائل است. رسول خدا ﷺ فرمود: «پنج چیز را تا هنگام مرگ ترک نخواهم کرد؛ پنجمین عمل، سلام کردن به کودکان است تا اینکه سنتی باشد و بعد از من باقی بماند» (طباطبایی، ۱۳۹۹، ص ۴۲).

۵-۵. همبازی شدن

یکی از روش‌های تکریم شخصیت کودکان، شرکت در بازی آنهاست. طفل از بازی تعلیم می‌گیرد و با بازی تربیت می‌شود و رشد و نمو می‌کند. رسول خدا ﷺ بر کودکان عبور کرد که مشغول بازی بودند. بعضی از اصحاب خواستند آنها را از بازی کردن نهی کنند. پیامبر ﷺ فرمود: «بگذارید بازی کنند. خاک، پرورشگاه کودکان است» (طباطبایی، ۱۳۹۹، ص ۴۲). ایشان در جای دیگر فرمود: «عَرَامَةُ الصَّبِيِّ فِي صِعْرِهِ زِيَادَةٌ فِي عَقْلِهِ فِي كِبَرِهِ؛ شَيْطَنُتٌ وَ لِحَاجَتٌ وَ سَيِّدَةٌ سَتِيْزَةٌ جُوبِي كُودَكُ دُرُورَانِ خُرْدَسَالِي اَوْ نَمَايَانْغَر فَرْوَنِي عَقْلٍ وَ اَنْدِيْشَه اَوْ دُرُ بَرْزْغَسَالِي اَسْت» (مجلسی، ۱۴۰۴، ۱۸۸/۱۰۳). در تعالیم اسلامی نیز توصیه‌های زیادی در این زمینه وجود دارد. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «مَنْ كَانَ عِنْدَهُ صَبِيٌّ فَلْيَتَّصَبْ لَهُ؛ هر که کودکی دارد باید در راه تربیت او خود را تا سرحد کودکی برساند» (حرعاملی، ۱۴۱۲، ۲۰۳/۱۵)؛ یعنی خود را با عوالم او هماهنگ ساخته رفتاری که درخور درک اوست، پیش گیرد.

در روایات دیگری نیز به داشتن رفتار مناسب با کودک و همبازی شدن با او توصیه شده است. همبازی شدن با کودک علاوه بر اینکه او را در غلظت و شادی می‌کند و صمیمیت را افزایش می‌دهد اعتماد به نفس و احساس ارزشمندی را در کودک تقویت می‌کند. هنگام بازی، بسیاری از اصول اخلاقی را می‌توان به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به کودکان آموزش داد. مطالعه در زندگانی عملی پیامبر ﷺ و امامان معصوم ﷺ نشان می‌دهد که آنها توجه خاصی به همبازی شدن با کودک داشتند و آن را وسیله مناسبی برای پرورش آنها می‌دانستند. امام صادق ﷺ می‌فرماید: «شبی پیامبر به منزل فاطمه ﷺ وارد شد و حسن و حسین ﷺ با او بودند. پیامبر ﷺ به آنها فرمود: برخیزید و با هم کشتی بگیرید. فاطمه ﷺ که برای کاری از

منزل بیرون رفته بود، وارد شد و مشاهده کرد که پیامبر می فرماید حسن عجله کن حسین را محکم بگیر. فاطمه تعجب کرد و گفت آیا بزرگ تر را برضد کوچک تر تشویق می کنید؟ پیامبر ﷺ فرمود: دخترم آیا راضی نیستی من حسن را تشویق کنم درحالی که برادرم جبرئیل حسین را تشویق می کند و می گوید: حسین، حسن را محکم بگیر» (مجلسی، ۱۴۰۴، ۱۸۹/۱۰۳). در این سیره نیز پیامبر ﷺ فرزندان خود را به بازی و کشتی گرفتن دعوت کرده آنها را به این کار تشویق می کند. آن حضرت علاوه بر تشویق فرزندان خود به بازی، خود نیز در بازی آنها شرکت می کرد.

۵-۶. گفتار نیکو

از دیگر موارد احترام و تکریم کودکان گفتار نیکو با آنهاست. گفتاری که شایسته و حاکی از مهر و محبت باشد. گفتار نیک علاوه بر تشکیل روابط مهرآمیز، شخصیت کودکان را به خوب بودن، رشد و کمال یافتن تشویقها تحریک می کند و عظمت خاصی به روح آنها می دهد تا آثار نیکوی آن از یاد نخواهد رفت. نیکو سخن گفتن از مسائلی است که قرآن آن را توصیه کرده است و می فرماید: «قولوا للناس حسنا؛ با مردم با زبان نیکو سخن گویند» (بقره: ۸۳). همچنین می فرماید: «و قل لعبادی یقولوا الی هی احسن؛ ای پیامبر به بندگانم بگو درمقام گفت و گو با مردم از هر طبقه ای که باشند به نیکی سخن بگویند» (اسراء: ۵۳).

۶. آثار تربیتی تکریم کودکان

۱-۶. تعلیمات تربیتی و آموزشی

تکریم کودکان اهمیت زیاد و آثار و پیامدهای مهمی دارد. وقتی شخصیت کودک مورد تکریم و احترام واقع شده و از نظر عاطفی تأمین شده است و دیگر روحیه عناد و لجبازی ندارد پذیرش بهتری در یادگیری تعلیمات تربیتی و آموزشی دارد. امام علی علیه السلام می فرماید: «مَنْ كَرَّمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ لَمْ يَهْئِهَا بِالْمَعْصِيَةِ؛ کسی که از احترام به نفس برخوردار باشد شخصیت خود را با گناه بی ارزش نمی کند.» (نوری، ۱۴۰۸، ۳۲۹/۱۱).

۶-۲. شکوفایی استعداد کودک

یکی از آثار مثبت و شخصیت دادن به کودکان این است که بعدها کودک با اعتماد به نفس وارد جامعه شود، استعدادهای خود را به کار گیرد و نبوغ نهفته خود را آشکار کند. امام صادق علیه السلام می فرماید: «ما ضَعُفَ بَدَنٌ عَمَّا قَوَّيْتُ عَلَيْهِ النَّيَّةَ؛ بدن از انجام آنچه که نیاز انسان بر آن نیرومند گشته (و مورد توجه جدی نفس واقع شده) ناتوان و ضعیف نخواهد گردید» (مجلسی، ۱۴۰۴، ۲/۵۰۵). بسیاری از کودکان به دلیل نامساعد بودن محیط خانوادگی و سرکوب شدن دائم توسط پدر و مادر هرگز زمینه شکوفایی استعدادهای خود را نمی یابند. از این رو، شاید تا آخر عمر نبود آنها همچنان مجهول مانده و هرگز از قوه به فعل در نیاید.

۶-۳. عزت نفس

چگونگی برخوردهای اولیه پدر و مادر در کودکی مهم است. اگر پدر و مادر از ابتدا با توهین و تحقیر کودک روحیه ذلت و زبونی را در تزریق کنند در آینده نتیجه ای جز این نخواهد داشت. برعکس اگر کودک از ابتدای کودکی در دامن پدر و مادر از نظر روحی شخصیت داشته و محترم بودن او تأمین شده باشد در آینده نیز عزت نفس، طبعی بلند و همتی والا خواهد داشت. امام سجاد علیه السلام می فرماید: «مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ الدُّنْيَا؛ کسی که از احترام نفس برخوردار باشد دنیا نزد او بی ارزش می شود» (حرانی، ۱۳۷۴، ص ۲۷۸).

۶-۴. اعتماد به نفس

علاوه بر مسئله عزت نفس و بلندی همت که از آثار مثبت شخصیت دادن به کودکان محسوب می شود اعتماد به نفس و روی پای خود ایستادن در زمینه های مختلف زندگی نیز از این آثار است. اساس این اعتماد در دوران کودکی و به دست پدر و مادر پی ریزی می شود. انسان با فکر و اندیشه و شخصیت، خود تصمیم می گیرد و هرگز چشم امید به دیگران ندارد و در برابر دیگران هرگز زانو نمی زند. در محیط خانه و در محیط اجتماعی هرگز دچار خود باختگی در برابر بیگانگان نمی شود و برای جامعه و ملت خود نیز هویت و شخصیت مستقل قائل است. اگر در رأس

کارهای اجتماعی قرار گیرد هرگز به بهانه‌ای جزئی حیثیت و شرافت خود را در برابر بیگانگان به باد نمی‌دهد، بلکه سعی بر رسیدن به خودکفایی و استقلال و روی پای خود ایستادن دارد. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «أَطْلُبُوا الْحَاجَاتِ بِعِزَّةِ الْأَنْفُسِ، خَواسته‌ها و مطلوب‌های خود را تنها با کرامت و عزت نفس بطلبید» (دشتی، ۳۱۷/۲۰).

۵-۶. جلوگیری از انحراف

وقتی به کودک در محیط خانه توهین و جسارت می‌شود و مورد تحقیر قرار می‌گیرد شخصیت او لگدکوب می‌شود، فکر و عقیده او هرگز مورد اعتنای پدر و مادر قرار نمی‌گیرد، برای تأمین نیاز روحی خود به کسی که احترام و شخصیت می‌دهد اگرچه دسته و گروه‌های منحرف باشد پاسخ مثبت می‌دهد. بسیاری از گروه‌ها و باندهای انحرافی نخست از راه‌های شخصیت دادن به نوجوانان کم‌سن و سال وارد می‌شوند و آنها را به سوی خود جذب می‌کنند. امام هادی علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَأْمَنُ شَرَّهُ؛ کسی که نفسش بر وی خوار شد از شر او در امان مباش» (حرانی، ۱۳۷۴، ص ۳۶۲).

۷. نتیجه‌گیری

تکریم انسان از روش‌های تربیتی مفید است که در تمام مقاطع زندگی انسان لازم و ضروری است و همچنین آثار و پیامدهای مفیدی دارد. تکریم و احترام در قالب یک روش تربیتی باید به صورت منطقی اجرا شود و به عبارتی افراط و تفریط در آن صورت نگیرد. در یک نگاه کلی به بحث چند نکته قابل ذکر است که عبارتند از:

- انسان حب ذات دارد و هر انسانی خود را دوست دارد و برای حرمت خود تلاش می‌کند. اگر انسان دچار بی‌حرمتی شود رفتار او ناهنجار شده و آثار منفی و ضدتربیتی فراوانی به دنبال دارد؛
- احترام و تکریم انسان در خودپنداره او تأثیر ژرفی برجای می‌گذارد. این تأثیر در رفتار شخص بروز می‌یابد؛ زیرا رفتار انسان‌ها براساس شناختی که از خود دارند و این شناخت از خود به طور معمول با نگاه به دیگران به انسان حاصل می‌شود. در نتیجه بیشتر انسان‌ها به ویژه

کودکان خود را چنان می‌شناسند که دیگران در رفتار خود با آنها می‌نمایند و براساس این شناخت از خود عمل می‌کنند. اگر چنین نکنند دچار تضاد درونی، اضطراب و دلهره می‌شوند و با توجه به اینکه انسان همواره به دنبال آرامش درونی است و این آرامش وقتی به دست می‌آید که رفتار بیرونی براساس شناخت درونی باشد به طور معمول افراد سعی می‌کنند براساس شناخت از خود که از راه نگرش دیگران حاصل شده است، عمل کنند. وقتی با بی‌احترامی، تحقیر، سرکوفت و سرزنش با وی برخورد شود شخصیت او به صورت شخصیتی ذلیل، حقیر، وابسته و منفی شکل خواهد گرفت و اگر با احترام و بزرگداشت با او برخورد شود شخصیت او به صورت شخصیتی عزیز، مستقل و مثبت رقم خواهد خورد و به خود به دیده احترام خواهد نگریست و در نتیجه رفتار او رفتاری سالم، مثبت و به‌هنگار خواهد بود؛

- در دنیای امروز دشمنان انواع و اقسام دام‌ها را پهن کرده‌اند و از راه تکریم و بهادان به نوجوانان و جوانان، آنان را به سوی خود جذب می‌کنند و آنها را در بدترین دام‌های شیطانی گرفتار می‌کنند، پس باید به هوش بود که از شیوه تربیتی تکریم به‌بهرترین و منطقی‌ترین نحو استفاده کرد تا مبادا دشمنان، فرزندان و نسل جوان اغفال شوند.

فهرست منابع

- * قرآن کریم
- * نهج البلاغه
- ۱. ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۴۱۶). مسند احمد بن حنبل. بیروت: مؤسسه الرساله.
- ۲. ابن فارس، احمد (۱۴۲۲). مقایس اللغه. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۳. آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶). غررالحکم دررالحکم. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۴. بهشتی، محمد (۱۳۹۵). تعلیم و تربیت و مبانی آن. تهران: انتشارات سمت.
- ۵. یارسا، محمد (۱۳۹۶). روان‌شناسی رشد کودک و نوجوان. تهران: انتشارات بعثت.
- ۶. حرانی، حسن بن علی (۱۳۷۴). تحف العقول. قم: نشر اسلامی.
- ۷. خادمی کوشا، محمدعلی (۱۳۸۲). جوان در پرتو اهل بیت (علیهم‌السلام). قم: انتشارات بوستان کتاب.
- ۸. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا. تهران: نشر دانشگاه تهران.
- ۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). المفردات الفاظ قرآن. بیروت: دار الشامیه.
- ۱۰. شهرستانی، محمد (۱۴۱۶). الملل والنحل. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ۱۱. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۹). سنن النبی. قم: بوستان کتاب.

۱۲. عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت.
۱۳. قبانچی، حسن (۱۳۹۵). ترجمه و شرح رساله حقوق. قم: اسماء الزهراء.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۴). اصول کافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۵. متقی، علاءالدین علی (۱۳۰۵). کنز العمال. بیروت: مؤسسه الرساله.
۱۶. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴). بحار الانوار. بیروت: مؤسسه الوفا.
۱۷. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۹۵). میزان الحکمه. قم: مؤسسه فرهنگی دارالحدیث.
۱۸. مروجی طبسی، محمد جواد (۱۳۹۸ ش). حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت علیهم السلام. قم: انتشارات بوستان کتاب.
۱۹. نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۰. هاو فیلد، جی ای (۱۳۷۷). روان‌شناسی کودک و بالغ. تهران: صفی علیشاه.